

The confrontation of Islamic countries with modernity has affected the position of women in these societies in many ways. Political Islam has tried to provide many answers to the contradictions caused by the confrontation with Western ideas and their influence on women's discourse in the Islamic society. These answers range from full acceptance of liberal-democracy and feminism to their absolute rejection in the form of Talabani Islam. Each of the Islamic countries has its own historical developments and cultural coordinates, and this has also affected how the aforementioned discourse is elaborated in each of the Islamic societies. The question is, considering the teachings of Shiite Islam and contemporary developments, what kind of discourse can answer women's issues in Iranian society, especially the discussion of women's value in society? The present research introduces the "wisdom-based" approach, which theoretically results from the teachings of political Islam, especially the leaders of the Islamic revolution, namely Imam Khomeini and the Supreme Leader. Considering that Hikmat-Banyan's approach in analyzing the phenomenon of gender division of labor departs from single-cause theories, it is based on Islamic principles and is ultimately influenced by the developments of contemporary political Islam; The hypothesis is that this approach provides a suitable answer for women's issues, especially the value of women in the Islamic-Iranian society. This research, with a theoretical-historical approach, tries to conclude the data collected based on the library method in a descriptive-analytical way and using discourse analysis.

Keywords: political Islam, gender, feminism, discourse, Hikmat-Bayan

## اسلام سیاسی حکمت بنیان و شأن زن

بتول فلاح مراد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۶

غلامرضا خواجه سروی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۰

حسین ابوالفضلی کریزی<sup>۳</sup>

## چکیده

مواجهه کشورهای اسلامی با مدرنیته و مدرنیزاسیون به طرق متعددی بر جایگاه زنان در این جوامع اثر گذاشته است. اسلام سیاسی در تحولات خود تلاش کرده تا پاسخ‌های متعددی را برای تضادهای ناشی از مواجهه با اندیشه‌های غربی و تأثیر آنها بر گفتمان زن در جامعه اسلامی فراهم سازد. این پاسخ‌ها در طیفی از پذیرش کامل آموزه‌های لیبرال‌دموکراسی و فمینیسم تا نفی مطلق آنها در قالب اسلام طالبانی را شامل می‌شوند. از سویی دیگر هریک از کشورهای اسلامی تحولات تاریخی و مختصات فرهنگی خاص خود را دارا هستند و این امر نیز به چگونگی مفصل‌بندی گفتمان یاد شده در هریک از جوامع اسلامی اثر گذاشته است. سوال این مقاله این است که با توجه به آموزه‌های اسلام شیعی و تحولات معاصر ایران چه گفتمانی می‌تواند پاسخ‌گوی مسائل زنان در جامعه ایرانی به خصوص بحث ارزش زن در جامعه باشد؟ پژوهش حاضر رویکرد «حکمت‌بنیان» را که به لحاظ نظری منتج از آموزه‌های اسلام سیاسی به خصوص رهبران انقلاب اسلامی یعنی امام خمینی و مقام معظم رهبری است معرفی می‌نماید. با توجه به اینکه رویکرد حکمت بنیان در تحلیل پدیده تقسیم کار جنسیتی از نظریه‌های تک علتی فاصله می‌گیرد، بر مبانی اسلامی قرار گرفته و در نهایت متأثر از تحولات اسلام سیاسی معاصر است؛ فرضیه این مقاله این است که این رویکرد پاسخی مناسب برای مسائل زنان به خصوص ارزش زن در جامعه اسلامی- ایرانی فراهم می‌نماید. این پژوهش با رویکردی نظری - تاریخی تلاش می‌کند داده‌هایی که بر اساس روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده‌اند به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی و با استفاده از تحلیل گفتمانی به نتیجه برساند.

کلیدواژه‌ها: اسلام سیاسی، جنسیت، فمینیسم، گفتمان، حکمت‌بنیان

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد سمنان<sup>۲</sup> استاد گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی<sup>۳</sup> مدیر گروه علوم سیاسی

امروزه رویکردهای اسلامی درباره زن، با چالش‌های مختلفی روبه‌روست. از سویی با حقیقت‌پوشی و تفریط متحجران و از سوی دیگر با افراط‌های جریانهای فمینیستی، مواجه است. محرومیت تاریخی و تحمیلی بر بانوان، ناآگاهی و عدم اطلاع صحیح برخی نواندیشان، اندیشه‌های سنگواره‌طلبانی ظاهراً منبعث از اسلام در مورد زنان، ایجاب می‌کند با تبیین نگره‌های متعالی و مترقی اسلامی در حوزه حقوق و تکالیف زنان، جایگاه واقعی آنان موشکافانه‌تر بررسی شود. غرب در کنار حمایت از جنبش‌های فمینیستی و طالبانی، القای جهانی‌سازی یعنی تبدیل همه دنیا به دهکده‌های کوچک متمم‌فاعلیت خویش ساخت تا هر چه سریعتر بر طراحی ساختار هویتی مطلوب خویش و جهان‌شمولی تئوریه‌ها و خواسته‌هایش نایل آید. شگرد دیگر مکاتب معاند با اسلام برای القای نا کارآمدی اسلام، گزینش تک‌گزاره‌ای احکام اسلام مانند نصف بودن سهم الارث زنان و دیه آنان و نهایتاً صدور حکم "نا عادلانه و ظالمانه بودن اسلام علیه زنان" بود. تجربیات بشری بخصوص تجربه زنان در جاهلیت قدیم و در جاهلیت عصر جدید پر از تعارضات و تناقضات رفتاری است و به دلیل چند وجهی بودن موضوع و تعدد آثار و پیامدهای آن، زنان در مقام تشخیص درستی و داوری متعارضات، دچار سردرگمی و بلا تکلیفی شده‌اند. جهان امروز برای همه امور زندگی، تعریف و تبیینی دارد اما تعریف و تصویر صحیحی از هویت و چیستی و جایگاه انسانی به نام زن-به عنوان سنگ بنای جامعه و حیات- نداشته و بدون شناخت شخصیت، حقوق، وظایف و اختیارات وی جهان را به چالش کشیده و هل من مبارز می‌طلبد. خود به بیراهه رفته و دیگران را هم به بیراهه می‌کشاند.

جهان امروز در مقوله زن و با هدف به بند کشیدن روحش، تنها به رها سازی جسم او می‌اندیشد و قوانین موضوعه جهان امروز نیز، صرفاً پیرامون مسائل مادی و سهل الوصول نمودن طریق طلاق و تشویق به نحوه‌های زندگی خاص و تن‌دادن به مسئولیت‌های خانوادگی است. زن و پیوندهای روحی-اخلاقی‌اش، هرگز مورد طلب و توجه و تلاش جهان امروز نیست.

با توجه به یافته‌ها و تجربیات ناگوار غرب و همچنین افراطی‌گریهای دینی در حوزه زنان، معتقدیم با رهیافتی درون‌دینی از قدم‌های نخستین در خصوص ورود به مسئله زن - در حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی سیاسی- آشنایی با قرآن و کلام معصوم (ع) و در قدم دوم تبیین و تحلیل گفتمان و اندیشه‌ی رهبران و اندیشمندان مسلمان مانند امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در خصوص شخصیت و جایگاه زن مسلمان ضروری می‌باشد. این رویکرد در قالب رویکرد «حکمت بنیان» معرفی خواهد شد.

## ۱- چارچوب نظری

### الف- تحلیل گفتمان

امروزه نظریه‌های گفتمانی به حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی سرایت کرده و شاخه‌های متنوعی از این نظریه شکل گرفته است. در این پژوهش نیز از این شاخه از نظریه‌های گفتمان استفاده شده است. گفتمان‌ها می‌کوشند تا به نشانه‌ها و مفهومی‌ها که دال‌هایی شناور هستند، معنا بخشند. در هر گفتمان، هر نشانه به گونه‌ای خاص معنا می‌شود. و به یک تثبیت معنای موقت دست می‌یابد. نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی ساماندهی می‌شوند. دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا می‌یابند، مانند لیبرال دموکراسی که دال‌هایی چون انتخابات آزاد، صندوق‌های رأی، آزادی بیان، و مشارکت سیاسی در پیوند با آن به معنایی ویژه دست می‌یابند. یا به عنوان مثال در اسلام سیاسی فقاهتی دال‌ها و مفهومی‌هایی چون مردم، تشیع، فقه، روحانیت، و مردم سالاری در کنار مفهوم مرکزی «ولایت فقیه» معنا می‌شود<sup>۱</sup>.

هر گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در یک زنجیره‌ی هم‌ارزی در کنار هم و در رو به روی دیگری قرار داده و از این راه به آن‌ها معنا می‌بخشد. زنجیره هم‌ارزی به این معنا است که در عمل مفصل بندی، نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب شده و در مقابل یک غیر که به نظر می‌رسد آن‌ها را تهدید می‌کند، قرار می‌گیرند. گفتمان‌ها از راه زنجیره هم‌ارزی تفاوت‌ها را می‌پوشانند. مفروض نظریه گفتمان، تکثیر و تشّت ذاتی جامعه است. زنجیره هم‌ارزی این تکثر را پوشش داده و نظم و انسجام می‌بخشد.

بنیان‌های تشکیل دهنده تحلیل انتقادی گفتمان را می‌توان در پنج اصل بیان کرد:

۱- قسمی از بافتارها و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی؛ زبانی-گفتمانی است: کنش‌های گفتمانی که از طریق آنها متون، فرآوری (تولید) و استعمال (درک و تأویل) می‌شوند- تصویر مهمی از کنش‌های اجتماعی در نظر گرفته می‌شوند؛ که در صورت‌بندی جهان اجتماعی، از جمله هویت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی، اثرگذارند. فقط تا اندازه‌ای به سبب کنش‌های گفتمانی در پروسه تولید و مصرف متن است که دگرگونی و بازتولید اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد. پیامد این است که که برخی از پدیده‌های اجتماعی از کارکتر زبانی-گفتمانی برخوردار نیستند<sup>۲</sup>.

۲- گفتمان هم سازنده و هم ساخته شده است: در رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان، گفتمان صورتی از کنش اجتماعی است که نه تنها جهان اجتماعی را صورت می‌بخشد بلکه توسط کنش‌های اجتماعی دیگر، خود، صورت‌بندی می‌شود. گفتمان در مقام کنشی اجتماعی پیوندی دیالکتیک با دیگر ابعاد اجتماعی دارد و نه تنها در شکل دهی و بازتشکیل بافتارهای اجتماعی شریک است بلکه بازتاب کننده آنها نیز هست.

۱- حسینی‌زاده، سید محمد علی، اسلام سیاسی در ایران، ۱۳۹۵، قم، دانشگاه مفید.

۲ . Noru Sherpa. (2019, March 26). What Stuart Hall Says About Michel Foucault's Discourse, Power and the Subject.

در تحلیل انتقادی گفتمان، زبان به منزله گفتمان هم صورتی از کنش است. که از طریق آن انسان‌ها می‌توانند جهان را دگرگون کنند و همچنین صورتی از کنش که به لحاظ اجتماعی و تاریخی، موقعیت مند است و در نسبی دیالکتیک با وجوه دیگر مسائل اجتماعی... (همانگونه که فرکلاف بیان می‌دارد): «بافت گفتمانی اجتماع برگرفته از بازی مستقل اندیشه‌ها در اذهان انسان‌ها نیست، بلکه از کنشی اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که با استحکام، ریشه در بافتارهای واقعی، مادی و اجتماعی داشته و در امتداد آنان شکل گرفته است.

۳- استعمال زبان می‌بایست در ساختار اجتماعی‌اش به شکلی تجربی مورد بررسی قرار گیرد: تحلیل انتقادی گفتمان به تحلیل زبانی و متنی استعمال زبان در تعامل اجتماعی می‌پردازد. این امر موجب افتراق آن از تئوری‌های گفتمان لاکلا و موف می‌شود که به بررسی‌های انتظام یافته و تجربی حول استعمال زبان نمی‌پردازد.

۴- گفتمان عملکرد ایدئولوژیک دارد: داعیه تحلیل انتقادی گفتمان این است که کنش‌های گفتمانی در صورتبندی و بازتولید روابط نابرابر قدرت در بین جرگه‌های اجتماعی - برای مثال زنان و مردان، اقلیت‌های قومی و اکثریت- اثرگذار است و این اثرات به منزله اثراتی ایدئولوژیک نگریسته می‌شود.<sup>۱</sup>

۵- بررسی نقدگونه: تحلیل انتقادی گفتمان از نظر سیاسی خنثی عمل نمی‌کند. بلکه خود را صاحب موضعی انتقادی فرض می‌کند که از جهت سیاسی پایبند به صورتبندی تغییرات اجتماعی است. از جنبه آزادی بخشی، این رویکرد از گروه‌های اجتماعی مظلوم جانبداری می‌کند. مراد از نقد، دفع حایل از نقش کنش گفتمانی در صیانت از روابط نابرابر قدرت است، با هدف کلی بهره‌گیری از نتایج تحلیل انتقادی گفتمان برای پی ریزی دگرگونی‌های اجتماعی بنیادی.

علی‌رغم اصول مشترک میان رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان، افتراقاتی نیز بایکدیگر دارند. یکی از این اختلافات، یکسان نبودن مباحث مورد بررسی است. اندیشمندان مختلف براساس سلاقی شخصی‌شان مباحث مختلفی را مورد بررسی قرار داده‌اند که تمامی آنها به جنبه‌های زبانی - گفتمانی نمودهای فرهنگی و اجتماعی نظر دارند.<sup>۲</sup>

فرکلاف بر این عقیده است که در وضعیتی محتمل است مردم میان تعدادی ایدئولوژی رقیب واقع باشند که پیامد آن تردید و عدم قطعیت منجر می‌شود که پیامد آن آگاهی از اثرات ایدئولوژیک است.

این رویکرد بردیدگاه گرامشی مبتنی است که عقل سلیم محصول مباحثه معنایی است که در آن تمامی گروه‌های اجتماعی هم‌انبازی می‌کنند. هژمونی نه فقط سلطه بلکه پروسه گفتگوی معنایی است که از بطن آن گونه‌ای از اجماع صورت می‌گیرد. در نتیجه هژمونی متغیر و بی‌کران است و اجماع

<sup>1</sup> Johnstone, B. (2018). Discourse analysis. Hoboken, Nj Wiley Blackwell.

<sup>2</sup> Grue, J. (2009). Critical discourse analysis, topoi and mystification: disability policy documents from a Norwegian NGO. Discourse Studies, 11(3), 305-328.

پیوسته امری نسبی است. برای هر نوع تفسیری در قالب تئوری فرکلاف دو بُعد را می‌بایست در نظر داشت: ۱- رویداد ارتباطی، ۲- نظم گفتمان. یک رخداد ارتباطی نمادی از استعمال زبان است.<sup>۱</sup> بر طبق این رویکرد هر الگوی استعمال زبان یک رخداد ارتباطی است که وجوه زیر را دربر دارد:

- متن (گفتار، نوشتار، نمادهای بصری یا ترکیب تمامی اینها)
- کنش گفتمانی (ساخت و استعمال متون)

### ب- هویت جنسی و جنسیتی

هویت جنسی هر کس به معنای برداشت و خودپنداره‌ایی است که وی از خود به منزله یک زن با مرد دارد عناصر طبیعی مانند اندام‌های تناسلی و دیگر مختصات بیولوژیکی فعالیت‌های هورمونی و صفات ثانویه ناشی از آن و ساختارهای فرهنگی پیرامون هر فرد به تشکیل این هویت یاری می‌رساند و بر مبنای این هویت است که از هر فرد انتظار می‌رود وظایف و نقش‌های معینی را در خانه و اجتماع بر دوش بگیرد.

واژه «نقش جنسیتی» با معادل انگلیسی *Role Gender*، از دو بخش نقش و جنسیت تشکیل شده است. «نقش» به وظایف و انتظاراتی اطلاق می‌شود که هر فرد متناسب با پایگاه اجتماعی او اسناد داده می‌شود پایگاه موقعیت هر شخص را در رابطه با کل جامعه نشان می‌دهد<sup>۲</sup>

زمانی که واژه نقش به جنسیت افزوده می‌شود بدین معناست که جامعه از هر یک از مردان و زنان با توجه به پایگاه اجتماعی‌شان فعالیت و رفتارهایی ویژه را انتظار دارد.

انتظار جامعه از مردان و زنان درباره نقش‌هایشان می‌تولند بر پایه تفاوت‌های طبیعی میان زنان و مردان شکل گرفته باشد یا بر پایه فواید و نتایجی که از تقسیم کرا جنسیتی به خانواده و اجتماع می‌رسد. مراد از هویت جنسی برداشت و آگاهی شخص از خود به منزله یک زن یا مرد است. این آگاهی به طور ناقص از هجده ماهگی تا سه سالگی شکل می‌گیرد و ناخودآگاه شخص خود را مرد یا زن می‌شمارد<sup>۳</sup> البته نوع برخورد دیگران با شخص به منزله دختر یا پسر که اغلب بر پایه جنس طبیعی مشخص صورت می‌گیرد، در ایجاد یا تثبیت این هویت اثر دارد در اغلب فرهنگ‌ها، تمایز بیولوژیکی (زیستی) بین نر و ماده به صورت شبکه گسترده‌ای از باورها و آیین‌ها نمایان می‌شود هر جامعه‌ایی با قوانین رسمی و هنجارهای غیر رسمی خود تعیین می‌کند که مرد و زن باید چه رفتارهایی داشته باشند چه نقش‌هایی را می‌توانند یا باید بر دوش بگیرند؛ و چه ویژگی‌های شخصیتی‌ای برای آنان مناسب است<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> Fairclough, N. (2013). *Critical discourse analysis: the critical study of language*. London: Routledge; pp: 113, 162

<sup>۲</sup> حمید عضدانلو آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ص ۱۴۷

<sup>۳</sup> نسرین اسکویی و زهرا انصاری هویت ص ۱۲۱

<sup>۴</sup> ریئال انکنیسوت و دیگران، زمینه روان‌شناسی هیگلارد، ترجمه: محمدتقی براهنی، ص ۱۸۴

نظام جنسیت را می‌توان بر یکی از دو قاعده ذیل قرار دارد و آن را نظامی معقول داشت.

- تفاوت‌های طبیعی و روانی انکارناپذیر بین مردان و زنان؛ مانند تفاوت در قابلیت‌های تولیدمثل، قدرت بدنی، میل‌ها و رفتارهای مربوط به غریزه جنسی و تفاوت زن و مرد در بروز احساسات و تعقل و تفاوت‌ها
- انتظارات گوناگون از مردان و زنان براساس هدفمندی آفرینش یعنی کارکردها به منزله علت غایی، این نظام را ترتیب داده و حتی موجب ایجاد دو جنس گوناگون بوده‌اند (کارکردها) نقش‌های جنسیتی<sup>۱</sup> نقش‌های جنسیتی جنبه‌های رفتاری هویت جنسی‌اند و هویت جنسی متفاوت مردانه و زنانه منشأ نقش‌های جنسیتی است
- فهم نقش‌های ثابت مردانه و زنانه به جمع‌بندی بین همه ادله‌ای نیازمند است که برای تمایز نقش‌های جنسیتی برپا شده‌اند برای این هدف می‌توان از نکته‌های ذیل بهره گرفت:
  - ۱- اگر نقشی طبیعی باشد، می‌توان آن را نقشی ثابت دانست برای مثال نقش زن در تولیدمثل که در قالب بارداری، زایمان و شیردهی خود را نشان می‌دهد نقش زیستی و طبیعی است. طبیعی بودن و فراگیر بودن این راه نشان می‌دهد نقش مادری ثابت است.
  - ۲- اگر رفتاری برآمده از اختلاف‌های مهم جسمانی مردان و زنان، نوع عملکرد و سیستم عصبی و مغزی و اموری مانند آن باشد و در طول زمان از هر جنس سر بزند می‌توان آن را نقشی ثابت دانست. افزون بر تفاوت‌های جسمانی، نقش‌های رفتاری گوناگون بر پایه ویژگی‌های روانی بین دو جنس شکل می‌گیرند مانند کشش‌ها و واکنش‌های عاطفی و همدلانه، زنان، رفتارها سریع و انفعالی مادران در قبال فرزندان بروز رفتارهای محاسبه‌گرانه نیز مردان، علاقه آنان به اعمال اقتدار و کنترل و روحیه‌های رقابتی‌تر.
  - ۳- اگر رفتار و نقشی در نظام حقوقی و اخلاقی (نظام دستوری و ارزشی) اسلام مطرح شده باشد که مایه حفظ نهاد خانواده و سلامت اجتماعی است می‌توان آن را نقشی ثابت به حساب آورد.
    - ارزشمندی ایفای صحیح نقش‌های جنسیتی
    - ارزشمندی دانستن و احساس تعهد در برابر آن به دلیل اهمیتی که نزد فرد دارد امری مهم است اگر افراد نقش‌هایشان را با اهمیت بشمارند زمان و انرژی کافی برای انجام فعالیت‌های مرتبط با هر نقش به دست می‌آورند؛ زیرا از فشار روانی آن بر خود می‌کاهند.<sup>۲</sup>
    - ایفای صحیح نقش در کنار باور به ارزشمندی آن آثار متعددی دارد که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:
      - ۱- نشاط و رضامندی زن و مرد به دلیل ایفای نقشی که با هویت جنسی آنان و ویژگی‌های طبیعی و روانی‌شان هماهنگ است؛
      - ۲- کارآوری خانواده به دلیل برخورداری از نیرو و توانمندی‌های مکمل هر دو جنس؛ نقش‌های

<sup>۱</sup> علاسوند، فریبا، ۱۳۹۵، زن در اسلام، قم نشر هاجر  
<sup>۲</sup> امیر رستگار خالد، خانواده، کار، جنسیت، ص ۶۲ - ۶۳

زنانه مانند مادری، تمکین و فروتنی در برابر همسر پایه‌های مهمی برای تشکیل و حفظ خانواده هستند. زنان به تربیت فرزندان می‌پردازند، غریزه جنسی همسران را هدیریت می‌کنند و با فروتنی از بروز بحران و تنش در خانواده جلوگیری می‌کنند. در این الگو از رفتار، زنان از همسران تمکین می‌کنند و در برابر بیگانه‌ها با تکبر و حفظ عفت به جریان عفت عمومی کمک می‌رسانند. نقش‌های مردانه نیز که شامل وظایفی مانند پدری، حمایت و سرپرستی خانواده، نان‌آوری و عفو و گذشت از خطاهای همسر و توجه به نیازهای غریزی و عاطفی وی می‌شوند این نهاد را به وضوح تقویت می‌کنند.

۳- استواری و سلامت اجتماعی، زنان افزون بر انجام نقش‌های خانوادگی با قدرت بالای همدلی و همکاری و با رعایت موازین عفت، حضور مؤثر و هدف‌داری در اجتماع خواهند داشت. مردان با اولویت دادن به همه نقش‌ها، از جمله نقش‌های خانوادگی‌شان به خانه و اجتماع در محیطی امن یاری می‌رسانند.<sup>۱</sup>

## ۲- رابطه بین جنسیت و ارزشمندی

رابطه بین جنسیت و ارزشمندی و ارزش‌ها موضوعی است که زن‌پژوهان فمینیست، به ویژه فمینیست‌های روان‌شناس و روان‌کاو همواره بدان توجه داشته‌اند.

میان نگرش‌های مطرح، دو دیدگاه کاملاً متضاد به چشم می‌خورد. در یک دیدگاه، نظریه‌پردازان فمینیست ناخودآگاه به برتری ارزش‌های مردانه و در نتیجه ارزشمندی قهری جنس مرد اعتراف نکرده‌اند فمینیست‌های اگزستانسیالیست مانند سیمون دوبوار از این دسته‌اند. البته وی و هم‌قطارانش از آن جنبه که بر «تحقق نفس و لزوم باز تولید خویشتن» معتقد بودند از زنان عصر خویش می‌خواستند که ارزش‌هایی مانند عقلانیت، اخلاص عدالت محور و نه اخلاق مادرانه را در منش فکری و رفتاری خود وارد کنند و اخلاق رایج زنانه را که در نهادهای ازدواج مادری و همسری شکل می‌گیرند، رها سازند.<sup>۲</sup>

یعنی زن بودن به معنای جنس دوم بودن است که باید آن را کناری نهاد و مانند مردان شد. در دیدگاه دیگر، گروهی از این زن‌پژوهان بر رهیافت‌های زنانه به اخلاق و ارزش‌ها تأکید کردند، رهیافتی که بر «روابط شخصی، اخلاق مراقبت و ارزش روابط انسانیهتمام می‌ورزد. البته رهیافت‌های اخلاقی فمینیسم گوناگون‌اند. ولی آنچه از بین سخنان فمینیست‌ها برای ما مهم است دوگونه رهیافت زنانه و مردانه است. رهیافت‌های زنانه به این معنایند که ویژگی‌های سنتی زنان مثل مراقبت، دلسوزی، خیرخواهی پرورش دادن و مهرورزی به لحاظ اخلاقی از ویژگی‌های سنتی مردانه‌ای مثل عقلانیت عدالت و استقلال کم اهمیت‌تر نیستند.<sup>۳</sup>

در رهیافت مادرانه بر ارتباط ویژه مادران و فرزندان به منزله الگوی تعامل اخلاقی تأکید می‌شود؛ یعنی

<sup>۱</sup> علاسوند، فریبا، ۱۳۹۵

<sup>۲</sup> سیمون دوبوار، جنس دوم، ترجمه: قاسم صنعوی، ج ۱، ص ۳۵؛ ج ۲ ص ۵۶۴ - ۵۶۶

<sup>۳</sup> رز مری تانگ، «اخلاق فمینیستی»، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه: عباس یزدانی ص ۱۷۰

این گونه رابطه، الگوی مهم روابط انسانی شمرده می‌شود و باید به دیگر موارد بسط یابد. این افراد معتقدند هر جا رابطه نامتوازی بین انسان‌ها برقرار می‌شود و دو طرف رابطه از نظر استدلال اقتدار و اطلاعات یکسان نیستند الگوی مادرانه بهترین الگوی برقراری ارتباط است. روابط نامتوازن مانند روابط فرزند و والدین کارگراها و کارفرما، استا و دانشجو و.. هستند. منظور از بسط الگوی مادرانه به دیگر روابط نامتوازن آن است که افراد تواناتر مانند مادران، با نثار بیشترین علاقه قلبی خود به طرف مقابل، از وی محافظت کنند و او را حساس، مسئول و آگاه از نیازهای دیگران بار آورند.

اگرچه نقادان فمینیست و غیرفمینیست این موضوع را نقد کرده‌اند باید پذیرفت که فمینیست‌ها با طرح پرسش‌های زیر مسائل مهمی را فرا روی فیلسوفان اخلاق و فیلسوفان انسان‌شناس قرار داده‌اند:<sup>۱</sup>

آیا اخلاق، جنسیتی است؟ آیا اخلاق و ویژگی‌های روان‌شناختی در فرهنگ ریشه دارند یا در امور زیست‌شناختی؟ آیا اخلاق می‌نت برتر و دلیل برتری جنس زن است یا اخلاق مردانه و مردان برترند؟

در آیات: اسراء (۷۰)؛ بقره (۳۰)؛ مومنون (۱۲ - ۱۰)؛ حجرات (۱۳)؛ حجر (۲۹). ملاک ارزشمندی را در تفکر دینی، کرامت ذاتی انسان مقام خلافت پروردگار، برخوردار از روح الهی نزدیکی به خدا و تقوا شمرده‌اند افزون بر کرامت ذاتی و شایستگی برای احراز مقام خلافت الهی، آدمیان با توجه به میزان تقوا و کوشش در مسیر هدایت، از کرامت و ارزش اکتسابی نیز برخوردار می‌شوند. در نگرش ادیان، گوهر وجود آدمی جان و روح اوست. علامه طباطبایی از ایه چهارم سوره حجرات و امثال آن استفاده لطیفی کرده‌اند ایشان می‌فرمایند: «در این فقه، خداوند بر ایجاد هر یک از آحاد انسانی، از یک مرد و یک زن سخن به میان می‌آورد: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی؛ یعنی هر مخلوق انسانی از نظر ماده و وجود از مرد و زن است» پس همه انسان‌ها از این جهت مانند یکدیگرند. این سخن در آیات مختلف مبنای استدلال قرآن در نفی بسیاری از تفاوت‌های موهوم مثل تفاوت در ارزشمندی شده است. قرآن با تأکید بر «بعضکم من بعض» این مبنا را بارها تکرار کرده است. پس از ذکر همین مبناست که می‌فرماید: تنها ملاک برتری و ارزشمندتر بودن تقواست.»<sup>۲</sup>

ایشان بر پایه وحدت نوعی زن و مرد معتقدند کمالات نوعی‌ای که برای هر یک از دو جنس ممکن است، برای دیگری نیز قایل دستیابی است. از آن جمله کمالات معنوی است که با ایمان و انواع اطاعت‌ها به دست می‌آید.<sup>۳</sup>

### ۳- رویکرد حکمت بنیان، ارزش و جایگاه زن

این رویکرد نقش تکمیلی، توازن و تعامل برای زن و مرد قائل است. نه زن بودن به خودی خود نقص محسوب می‌شود و نه مرد بودن کمال. دیدگاه حکمت بنیان معتقد است با توجه به تفاوت

<sup>۱</sup> رز مری تانگ، «اخلاق فمینیستی»، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، ترجمه: عباس یزدانی، ص ۱۷۰ - ۱۸۰

<sup>۲</sup> محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۲۶۹ - ۲۷۰

<sup>۳</sup> علاسوند، فریبا، ۴۷، ۱۳۹۵

تکوینی زن و مرد، هر استعداد طبیعی، یک سند طبیعی برای یک حق طبیعی است. لحاظ نکردن توانایی و استعداد و چشم پوشی از نوع مسئولیت موجب تبعیض می شود. آیات (۳ سوره حجرات) و (۱۹۰ و ۱۹۵ سوره آل عمران) و (۳۷ سوره نساء) بیان گر تساوی حقوق زن و مرد است. در این آیات مرد و زن با هم ذکر شده است، اما این دو موجود از نظر طبیعی و جسمی تفاوت هایی با هم دارند. این تفاوت ها اقتضای تقسیم مسئولیت ها و تربیت نظام های اجتماعی را طلب می کند.

در این رویکرد حضور زن در اسلام هیچ مشکلی را بوجود نمی آورد. او از همان مقامی برخوردار است که توسط دین او یعنی اسلام به او اعطا شده است. موضع قرآن و مسلمانان صدر اسلام گواه این حقیقت است که وجود زن به اندازه مرد در زندگی حیاتی است و او نه در مرتبه ای پایین تر از مرد قرار دارد و نه آنکه از یک جهت فرودست محسوب می شود. اگر اثر فرهنگهای خارجی و تأثیرات بیگانه نبود، هرگز چنین سؤالی در میان مسلمانان مطرح نمی شد. مساوی بودن مقام زن و مرد برای همه مسلم بود. چنین چیزی کاملاً قابل انتظار و مطابق با واقعیت بود و هیچکس اصلاً آن را به عنوان یک مسئله در نظر نمی گرفت. قوق و وظایف یک زن مساوی یک مرد است اما الزاماً مشابه آنها نیست. مساوات و مشابهت دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند. این تفاوت قابل درک است چرا که زن و مرد مشابه نیستند ولی مساوی خلق شده اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، مشکلی ایجاد نمی شود. این غیر ممکن است که بتوان حتی دو مرد یا دو زن همانند یکدیگر یافت. تمایز میان برابری و همانندی دارای اهمیت فوق العاده است. برابری، مطلوب و واقعاً عادلانه است، در حالیکه همانندی چنین نیست. مردم همانند یکدیگر آفریده نشده اند ولی برابر خلق شده اند. با در نظر داشتن چنین تمایزی، جایی برای تصور این که زن پست تر از مرد است باقی نمی ماند. هیچ زمینه ای برای اینکه تصور کنیم که زن به دلیل آنکه حقوق مشابه مرد ندارد، دارای اهمیتی کمتر از مرد است، وجود ندارد. اگر مقام او درست مشابه مقام مرد بود، آنگاه زن نسخه دیگری از مرد می شد، که چنین نیست. این حقیقت که اسلام به زن حقوق مساوی و نه مشابه مرد می دهد نشان می دهد که اسلام زن را به درستی در نظر گرفته، او را به رسمیت شناخته و برای او شخصیت مستقلی قائل است.

### ۳-۱ ریشه های نظری رویکرد حکمت بنیان

ریشه نظری رویکرد حکمت بنیان به جایگاه زنان در جامعه را می توان اسلام سیاسی دانست. اسلام سیاسی بر خلاف بنیادگرایان و سنت گرایان، مدرنیته را به طور کامل نفی نمی کند بلکه می کوشد تا اسلام را با جامعه مدرن سازگار نشان دهند. البته جنبه های سکولار تمدن غرب را نفی کرده و مشکلات جامعه های معاصر را به دوری از دین و معنویت نسبت داده و راه رهایی از آنها را توسل به ارزش های دینی و بازگشت به اسلام می دانند.<sup>۱</sup> در واقع اسلام سیاسی به دنبال ایجاد نوعی جامعه مدرن اسلامی است که در کنار بهره گیری از دستاوردهای مثبت تمدن عرب، از آسیب های آن به دور باشد.

۱. حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۸

در نظر اسلام‌گرایان چنین جامعه‌ای انسان امروزی را به سرمنزل مقصود رسانده و سعادت دنیا و آخرت او را فراهم خواهد کرد. مفهوم بنیادگرایی که برای تبیین حرکت‌های اسلامی به کار رفته است ریشه غربی دارد و برگرفته از حرکت اعتراضی مسیحیان پروتستان در آمریکا در اوایل قرن بیستم است.<sup>۱</sup> و نمی‌تواند معنا و مفهوم جریان‌های اسلامی در ایران را توضیح دهد.

اسلام سیاسی متفاوت از بنیادگرایی است که به معنای بازگشت به سنت دینی و دفاع از ارزش‌های مذهبی در چهارچوب گفتمان سنتی است و با این معنا تنها بخشی از جریان‌های اسلامی را در بر می‌گیرد. بنیادگرایی را بیشتر، غربیان پس از انقلاب اسلامی ایران برای اشاره به گفتمانی که دشمن ارزش‌های فرهنگی غرب است برگزیده‌اند<sup>۲</sup> و در آن نوعی گذشته‌گرایی همراه با بار ارزشی منفی نهفته است. در حالی که گفتمان اسلام سیاسی ضرورتاً سنتی و در چارچوب سنت نیست و در برخی از جریان‌ها این گفتمان نشانه‌های مدرن با تفسیری کاملاً نو از مذهب با مرجعیت اسلام وجود دارد که در چارچوب گفتمان سنتی نمی‌گنجد. اندیشمندان مختلفی را می‌توان در چارچوب اسلام سیاسی قرار داد. از آنجا که در رویکرد گفتمانی هم متن (گفتار، نوشتار، نمادهای بصری یا ترکیب تمامی اینها) و هم کنش گفتمانی (ساخت و استعمال متون) در نظر گرفته می‌شود ما سراغ دو تن از این اندیشمندان رفتیم که امکان ارزیابی عملکرد آنها در نظر و عمل وجود داشته باشد.

### علامه طباطبایی

یکی از مهم‌ترین اندیشمندانی که از این دیدگاه دفاع کرده، علامه طباطبایی است. ایشان بر این باورند که «هر دو صنف از نظر ارزش و تأثیر اجتماعی متعادل‌اند». روشن است که تعادل همواره با معیارهای کمی سنجیده نمی‌شود گاه کیفیت‌ها این تعادل را ایجاد می‌کنند. از نظر ایشان، فعالیت اجتماعی بر سه عامل مبتنی است: ۱- انسانیت؛ ۲- داشتن قدرت تفکر مستقل؛ ۳- داشتن قدرت اراده مستقل. وی آنگاه بیان می‌دارد که زن و مرد به طور یکسان از اصل آزادی برخوردارند. لازمه آزادی نیز امکان تأثیرگذاری با استفاده از تلاش، فکر و اراده مستقل است.<sup>۳</sup>

علامه طباطبایی با استناد به آیه نوزدهم سوره نساء، فایده حضور زنان را در اجتماع و ایفای نقش‌های مکمل را متناسب با توانایی‌های زنانه‌شان ثابت می‌کند. آیه یادشده چنین است: «با آنان به طور شایسته رفتار کنید و اگر آنان را خوش نمی‌دارید باز هم با آنان سازگاری کنید زیرا چه بسا شما چیزی را خوش نمی‌دارید ولی خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد».<sup>۴</sup>

وی می‌نویسد: «منظور از معاشرت معروفانه، معاشرتی است که بین انسان‌ها رایج است و آدمیان می‌دانند که هر کدام به عنوان جزیی از اجتماع در تکوین و ایجاد ارتباطات آن وظیفه دارند. این تجمع

<sup>۱</sup> Gerrie, 2003 : 28

<sup>۲</sup> Gerrie, 2003 : 3

<sup>۳</sup> محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۶

<sup>۴</sup> نساء (۴)، ۱۹

نیز با هدف تعاون و همکاری است که بین آنها شکل می‌گیرد.»

پس تساوی در آزادی و تأثیر اجتماعی به معنای یکسانی زن و مرد در شیوه‌های اعمال آن نیست. علامه طباطبایی خود نیز تأکید می‌کند که زن و مرد برای کمک به یکدیگر آماده شده‌اند و با هماهنگی و همراهی آنان مجموعه‌ای متناسب و متعادل ساخته می‌شود.<sup>۱</sup>

### امام خمینی

امام خمینی به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی یکی از مهمترین اندیشمندان اسلام سیاسی است که می‌توان از ایشان به عنوان بنیانگذار رویکرد حکمت‌بنیان در جایگاه زنان یاد کرد. ایشان مظاهری را که به عنوان ترقی زنان در نظام پهلوی به وجود آمده بود را به شدت نقد می‌کردند.<sup>۲</sup> از نظر ایشان نقش زنان در سیاست و به خصوص روند انقلاب اسلامی قابل چشم‌پوشی نیست.<sup>۳</sup> در رویکرد ایشان زنان به عنوان «پشتوانه ملت» معرفی می‌شوند که نقش مهمی در آینده کشور بر عهده دارند. این نقش با «فضائل اخلاقی» میسر خواهد شد.<sup>۴</sup> امام خمینی نه تنها نقش بزرگی در عرصه‌های سیاسی برای زنان قائل بودند بلکه به یک تعبیر تحول جایگاه زنان را مهمترین نتیجه انقلاب اسلامی می‌دانستند. چرا که این تحول نقش مهمی در سایر عرصه‌های سیاست، اجتماع و فرهنگ پدید می‌آورد:

«آنچه که در ایران بزرگتر از هرچیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد. بانوان ایران در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری از مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه‌ها مشغول فعالیت هستند، سهم آن‌ها بیشتر از دیگران است و در تربیتی که اشتغال دارند، چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خردسالانشان و چه تربیت‌هایی که در کلاس‌ها و جاهای دیگر مجالس دارند، باز سهم بزرگی

<sup>۱</sup> محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۵۶

<sup>۲</sup> «کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکردند، به کتاب‌ها، شعرها، نوشته‌ها، نمایشنامه‌ها، تصنیف‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها، و مراکز فحشاء و قمارخانه‌ها و شراب‌فروشی‌ها و سینماها - که همه یادگار آن نسل بودند- بنگرند و یا از آنان که دیده‌اند بپرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان پرور و آموزگار، چه ظلم‌ها و خیانت‌هایی در ظاهر فریبنده‌ای به اسم زن مترقی، روا داشته‌اند. شکی نیست که توده‌های زنان مذهبی، خصوصاً محرومان جامعه، مقاومت نمودند، ولی برای استعمارگران خائن در بسیاری از قشرهای مرفه و عشرت‌طلب توفیق حاصل شد و اینان بازار را برای اربابان گرم کردند و اکنون نیز که با عنایت خداوند متعال و فعالیت ملت عزیزالشان بویژه بانوان و زنان شیردل، دست ستمکاران کوتاه شده است. هنوز اقلیتی ناچیز به کارهای جاهلانه خود ادامه می‌دهند، و امید است انشاءالله تعالی آنان هم از حیل‌های شیاطین بزرگ و کوچک آگاه شده و از دام فریب آنان برهند.» صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۶، صفحه ۱۹۳.

<sup>۳</sup> «درود بی‌پایان بر بانوان ایران! سلام بر شما بانوان محترم! رحمت خدا بر شما شیردلانی که به همت والای شما اسلام از قید اسارت بیگانه بیرون آمد!... من در خودم غرور احساس می‌کنم برای این شجاعت‌ها. بانوان ایران و بانوان قم و سایر بلاد در این پیروزی پیش قدم هستند. آن‌ها مردان را تشجیع کردند. مردان ما مرهون شجاعت‌های شما زن‌های شیردل هستند.» صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۶، صفحه ۲۹۹

<sup>۴</sup> «شما بانوان در ایران ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشتید. شما سهم بزرگی در نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید. از شماست که مردان و زنان بزرگ تربیت می‌شود. در دامن شما مردان و بانوان بزرگ تربیت می‌شود. شماها عزیز ملت هستید؛ پشتوانه ملت هستید. شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضائل اخلاقی، فضائل اعمالی مجهز شوید. شما برای آتیه مملکت ما جوانان نیرومند تربیت کنید. دامن شما یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشوند. شما فضائل تحصیل کنید تا کودکان شما در دامن شما به تربیت برسند... و امیدوارم که دوشادوش مردان در قضیه مجلس مؤسسان و مجلس شورای ملی رأی بدهید تا اینکه جمهوری اسلامی و قانون جمهوری اسلامی و مجلس شورای اسلامی تأسیس و ما به آنچه خواهان آن هستیم برسیم.» همان، صفحه ۵۲۱.

در این انقلاب دارند... و امروز ما میبینیم که بانوان محترم ایران در سرتاسر کشور یک عضو مفید و یک جمعیت متعهد و معتقد هستند که به کشور خودشان خدمت می‌کنند و پشتوانه‌ای هستند برای این کشور». (صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۴، صفحه ۳۵۵).

البته رویکردی که امام خمینی به زنان داشتند گرچه در انقلاب اسلامی به اوج شکوفایی خود رسیده بود اما دارای تاریخچه بود و این نقش در ایران معاصر به طرق مختلف خود را نشان داده بود.<sup>۱</sup>

### آیت‌الله خامنه‌ای

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به طور مکرر به اهمیت نقش زن در جوه مختلف آن اشاره کرده‌اند.<sup>۲</sup> ایشان بین توجهی که فمینیستها به زن دارند و توجهی که باید در جامعه اسلامی به مسئله زنان شود تفاوت قائل هستند: «به نظر من نقش زن هرچه برجسته شود، خیلی بهتر است. زن‌های ما مظلومند. من راجع به زن حرف‌های زیاد و بحث‌های فراوانی دارم. مسئله زن واقعا مسئله مهمی است. یک عده توجه نمی‌کنند و به عنوان یک مسئله نمایشی که حالا مد روز است، حرف می‌زنند، خوب؛ با گرایش‌های فمینیستی و گرایش خاص غربی در مورد زن هم که به جای خود محفوظ است با اصل نقش زن در خانواده، در اجتماع ارزش و اهمیت زن و اموری از این قبیل، چیزهایی است که ما حقیقتاً به آن‌ها کم پرداخته‌ایم و از این کم پرداختن‌ها خسارت هم می‌بینیم.» (بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵)

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای بازسازی کشور به شکل عمده‌ای نیازمند حضور زنان در بخش‌های متعدد جامعه است. این موضوع باید نه تنها توسط زنان بلکه توسط مردان مورد توجه قرار بگیرد.<sup>۳</sup> نقش و مشارکت زنان نه تنها در عرصه‌های اجتماعی بلکه در عرصه‌های سیاسی نیز توسط ایشان مورد تاکید قرار گرفته است؛ نقشی که از نظر رهبری از زمان پیامبر اسلام آغاز شده است: «...زن‌هایی آمدند با پیغمبر بیعت می‌کردند. پیغمبر اسلام فرمود که مردها بیاین بیعت کنند و به تبع آن‌ها، هر چه که آن‌ها

<sup>۱</sup> . «و اما نقش زن‌ها در جامعه ... در چند نهضت که در ایران واقع شد، نهضت تنباکو، نهضت مشروطه، قضیه ۱۵ خرداد، نقش زن‌ها بالاتر از مردها اگر نبود، کمتر نبود. آنان در میدان‌ها حاضر شدند و به واسطه حضور آن‌ها در میدان اگر قوتشان کم بود، زیاد شد و اگر قوی بودند دوچندان شد و آنچه که خود شما شاهد بودید در این نهضت اسلامی و انقلاب حاضر است. در این انقلاب اسلامی نقش شما بانوان از نقش مردها بالاتر بود. یعنی شما هم خودتان فعالیت می‌کردید و هم مردها را به فعالیت می‌کشاندید. بنابراین افتخاری که شما ایجاد کردید قابل تقدیر فراوان است. (صحیفه امام خمینی (ره)، جلد ۱۸، صفحه ۴۰۲)

<sup>۲</sup> . «مسئله زن و خانواده با همه کارهایی که شده است، همچنان یک مسئله مهم و قابل بحث و قابل توسعه در اندیشه‌مورزی است». (بیانات در دیدار بانوان نخبه، ۱۳۹۰/۳/۱)

<sup>۳</sup> . «یک کشور اگر می‌خواهد به معنای واقعی بازسازی کند، باید بیشترین تکیه و بیشترین نگاه و توجهش به انسان و نیروی انسانی باشد. وقتی که صحبت از نیروی انسانی است، باید توجه کنیم که نصف جمعیت کشور و نیمی از نیروی انسانی، بانوان کشورند. اگر بینش غلطی در مورد زن وجود داشته باشد، بازسازی به معنای حقیقی و در سطح وسیع آن، شدنی نیست. هم خود بانوان کشور باید نسبت به موضوع زن از نظر اسلام، دارای آگاهی کافی و لازم باشند، تا بتوانند با اتکا به نظر والای دین مقدس اسلام، از حقوق خود به طور کامل دفاع کنند، و هم همه افراد جامعه و مردان در کشور اسلامی باید بدانند که نظر اسلام در مورد زن، حضور زن در عرصه‌های زندگی، فعالیت زنان، تحصیل زنان، کار و تلاش اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و علمی زنان، نقش زن در بیرون از خانواده چیست. (بیانات در اجتماع بانوان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰)

رأی دادند، هر چه که آن‌ها پذیرفتند، زن‌ها هم مجبور باشند قبول کنند؛ نه. گفتند زن‌ها هم بیعت کنند، آن‌ها هم در قبول این حکومت، در قبول این نظم اجتماعی و سیاسی شرکت می‌کنند. غربی‌ها هزار و سیصد سال در این زمینه از اسلام عقبند و این ادعاها را می‌کنند! در زمینه مالکیت نیز همینطور، و در زمینه‌های دیگری که مربوط به مسائل اجتماعی و سیاسی است.» (بیانات در دیدار با گروه کثیری از بانوان، ۱۳۷۹/۶/۳۰)

مقام معظم رهبری در بیانات مختلفی مدعاهای کشورهای غربی را در باب حقوق زنان نقد کرده‌اند. به خصوص با یادآوری جایگاه زنان در تاریخ گذشته غرب.<sup>۱</sup> به عنوان مثال ایشان می‌فرمایند: «مثلاً تا اوایل قرن بیستم، با همه آن ادعاهایی که شده است، با آن کشف حجاب عجیب و قریبی که در غرب روز به روز هم بیشتر شده، با آن اختلاط جنسی بی‌نهایت و بی‌مهار - که خیال می‌کنند این احترام کردن و ارزش دادن به زن است - در عین حال زن غربی حق نداشته از ثروتی که متعلق به خودش بوده، آزادانه استفاده کند! در مقابل شوهر، مالک دارایی خودش نبوده است. یعنی زنی که ازدواج می‌کرد، ثروت و دارایی و ملکش متعلق به شوهرش بود؛ خودش حق نداشت نسبت به آن تصرفی بکند؛ تا اینکه به تدریج حق مالکیت و حق کار، تا اوایل قرن بیستم به زنان داده شد. یعنی این مسئله‌ایی که جزو اولی‌ترین حقوق بشری است، از زن دریغ داشتند.» (بیانات در دیدار با اعضای شورای فرهنگی، اجتماعی زنان، ۱۳۷۰/۱۰/۴)

در حالی که از نظر ایشان اسلام زن را برای جامعه الگو قرار داده است.<sup>۲</sup> الگو قرار دادن زن تنها با نگاهی جامع به زنان و ارزشگذاری دقیق و متناسب حاصل می‌شود: «ما باید در مورد مسئله زن نگاه جامع داشته باشیم، و این نگاه جامع در اسلام هست. مسئله ارزشگذاری به اصالت زن، زن بودن، برای زن یک ارزش والاست؛ یک اصل است. به هیچ وجه تشبه به مردان برای زن ارزش به حساب نمی‌آید. هر کدام نقشی دارند. هر کدام جایی دارند، جایگاهی دارند و طبیعتی دارند و مقصودی از وضعیت خاص آن‌ها در آفرینش حکیمانه الهی مورد نظر بوده که این مقصود باید برآورده شود؛ این مسئله مهم است.» (بیانات در دیدار بانوان نخبه، ۱۳۸۶/۴/۱۳)

۱. «تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‌کردند، مدرک تحصیلی نمی‌دادند و می‌گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! این‌ها امروز آمده‌اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدعی حقوق زن شده‌اند! در همان سال‌هایی که چنین حقارت‌هایی در فرهنگ غربی مشاهده می‌شد، در ایران اسلامی بانوی اصفهانی اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اول آن روز اسلام داشت و در اصفهان حوزه تدریس فلسفه و فقهش دایر بود. اسلام این است.» (بیانات در مرقده مطهر امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶/۳/۱۴)

۲. «اسلام برخلاف آن جوری که همیشه در نظام‌های طاغوتی وجود داشته است که با چشم دیگری اصلاً به زن نگاه می‌کردند، به زن شخصیت می‌دهد. در اسلام وقتی برای مؤمن نمونه می‌خواهند مشخص بکنند، نمونه زن معین می‌کنند. «و صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» (سوره تحریم، آیه ۱۱)؛ این نفر اول. «و مَرِيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ» نفر دوم. نمونه برای للذین آمنو، دو زن... «امرات نوح و امرات لوط کانتا تحت عبدين من عبادنا... فخاننا هما» (سوره تحریم، آیه ۱۰). یعنی زن را نه فقط محور و عبرت و آئینه‌ای برای زنان، بلکه برای کل جامعه قرار می‌دهد. می‌شد یک مرد انتخاب بکنند. نه، این در مقابل با آن نگاه، همیشه انحرافی و غلطی است که نسبت به زنان وجود داشته. این نگاه همیشه هم تحقیرآمیز نبوده؛ اما همیشه غلط بوده.» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه، ۱۳۸۸/۷/۲۸)

از نظر ایشان آنچه به عنوان حقوق زنان مطرح است در اسلام به شکلی کامل مورد توجه قرار گرفته است. حقوقی که نه بر پتیه تشابه بلکه بر اساس خصوصیات متفاوت مردان و زنان بنیان نهاده شده است.<sup>۱</sup>

رویکرد امام راحل و مقام معظم رهبری به زنان در بلنات مختلف ایشان مورد توجه قرار گرفته است. این رویکرد در این مقاله با عنوان رویکرد حکمت‌بنیان به جایگاه زنان معرفی شده است. در ادامه به خصوصیات این رویکرد می‌پردازیم.

#### ۴- مشخصات جایگاه زنان در رویکرد حکمت بنیان

##### ۴-۱ تکامل‌مداری

دیدگاه اسلام بر تکامل‌گرایی زن تأکید می‌کند، حضور زن در مسائل اجتماعی و سیاسی نه تنها منعی ندارد، بلکه نشانه بلوغ و ایمان به شمار می‌آید، منتها مشارکت آنان آدابی دارد. به فرموده امام راحل (ره) «امروز خانم‌ها باید وظایف اجتماعی خودشان را و وظایف دینی خودشان را عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی، کارهای سیاسی - اجتماعی را انجام دهند».<sup>۲</sup> و نیز در جای دیگر خطاب به زنان بیان می‌دارند: «شما باید در همه صحنه‌ها و میدان‌ها آن قدری که اسلام اجازه داده، وارد باشید... با حفظ عفاف با حفظ شرف».<sup>۳</sup> قرآن کریم صحنه‌های با عظمت حضور زنان را در امور سیاسی و اجتماعی نقل می‌کند از جمله بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) و عزه‌جرت زنان با مردان در صدر اسلام<sup>۴</sup> نیز سیده بزرگ زنان صدر اسلام همانند ام سلمه، حضرت زهرا (س) سخنرانی‌های حضرت زینب (س)<sup>۵</sup> در قیام عاشورا، جلوه‌هایی از حضور مثبت و فعال زن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است.<sup>۶</sup>

این رویکرد که مبتنی بر آموزه‌های دینی است، در دوران معاصر در ایران اسلامی تجربه شد و با نگاه مثبت به زن توانست، توانایی زن را در عرصه اجتماع اثبات کند. مشارکت فعال و گسترده زنان در عرصه‌هایی گوناگون سیاسی - اجتماعی، این واقعیت را مبرهن ساخته که مشارکت زنان از طریق الگوسازی می‌تواند سرنوشت جامعه را تغییر دهد، حضور زنان فهیم، دینمدار و مسئولیت‌پذیر در بدنه نظام اسلام نمونه‌ایی از توانایی‌های زن مسلمان است. نتیجه اینکه از دیدگاه اسلام، زن همانند مرد یک انسان است، می‌تواند در تمامی عرصه‌های اجتماعی با رعایت آداب دینی که آن هم در راستای

۱. «در اسلام آنچه مطرح است، عبارت است از تعادل؛ یعنی رعایت عدالت محض میان افراد بشر، از جمله بیان جنس زن و جنس مرد. برابری در حقوق مطرح است، اما در جایی ممکن است احکام زن با احکام مرد متفاوت باشد؛ هم‌چنان که طبیعت زن با طبیعت مرد در بعضی از خصوصیات متفاوت است. بنابراین، بیشترین حقایق و بیشترین واقعیت‌های فطرت و طبیعت بشری در مورد زن و مرد، در معارف اسلامی است». (بیانات در همایش بزرگ بانوان، ۱۳۷۶/۷/۳۰)

۲. تبیین، جایگاه زنان در اندیشه امام خمینی ص ۷۲ - ۷۱

۳. همان صفحه ۷۵

۴. ممتحنه / ۱۰ و ۱۲

۵. سیدبن طاووس، زندگانی اباعبدالله الحسین، ترجمه محمد صفحی صفحات ۱۰۶ - ۱۰۹، ۱۲۴ - ۱۲۹

۶. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم انتشارات اسرا، ص ۳۲۹ و ۳۹۴

مصونیت اوست نه محدودیت، حضور فعال داشته باشد. در پرتو چنین نگرشی، با شناخت منزلت تکوینی زن و تعریف صحیح از آن بایستگی مشارکت کارآمد زن در توسعه نظام دینی و شکوفایی ارزش‌های اسلامی کاملاً محسوس است و باید توسعه و تکامل اجتماعی را براساس توازن بین زن و مرد در نظر گرفت و در این راه افراط تشابه‌گرایی به همان اندازه تفریط تقابل‌گرایی زیانبار است<sup>۱</sup>

#### ۲-۴ زنانگی محفوظ

رهبر فرزانه انقلاب در باره زنانگی محفوظ می‌فرماید: «در اسلام هم خصوصیت زنانگی زن حفظ شده است، از او خواسته نشده است که در حالی که زن است، مثل مرد فکر کند، مثل مرد بخواهد - یعنی خصوصیت زن بودن که خصوصیت طبیعی و فطری و محور همه احساسات و تلاش‌های زنانه است، در دید اسلامی حفظ شده - هم در عین حال، میدان علم، میدان معنویت، میدان تقوا، میدان سیاسی، بر روی او باز شده است و او هم به کسب علم تشویق شده است، هم به حضور در میدان‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی. آن وقت در داخل خانواده هم به مرد گفته‌اند که حق تکلیف، تحمیل، زیاده‌روی، اعمال قدرت‌های جاهلانه و غیر قانونی ندارد. این، آن نگاه اسلامی است»<sup>۲</sup>.

یکی از معضلات مطالبات فمینیستی مغالطه در معنای محرومیت است. باید دید چه صفات و برخورداریهایی است که باید به من تعلق بگیرد و اگر به من تعلق نگرفت من محروم از آن می‌شوم و کجا نباید این سخن را گفت. هر چیزی را با هر چیزی نمی‌توان مقایسه کرد و نتیجه گرفت، باید دید چه چیزهایی برخوردار است که اگر من نداشته باشم محروم دانسته می‌شوم و چه نداشته‌هایی محرومیت نیست بلکه امر طبیعی است. در خانواده با فرهنگ سکولار. نگاه قدرت‌مدارانه به مناسبات زن و مرد وجود دارد و این باعث می‌شود که رابطه‌ی بین مذکر و مؤنث را مثل رابطه سیاسی می‌بینند. مسلماً در اینجا دعوا بر سر قدرت زن و مرد یک امر طبیعی است وقتی تفاوت حقیقی و طبیعی وجود دارد، تفاوت حقوقی هم وجود دارد. چرا حقوق و وظایف مرد و زن علیرغم تفاوت‌هایی که بین این جنس است باید کپی و مشابه یکدیگر باشد؛ تا زمانی که حقوق و وظایف زن و مرد در برابر یکدیگر و در برابر جامعه و در برابر خانواده مشخص شود، سخن گفتن از عدالت جنسی، شعار انتخاباتی است.<sup>۳</sup>

#### ۳-۴ حق تصمیم‌گیری سیاسی زن بدون وصف ضرورت

در نگاه حکمت بنیان بدون وصف ضرورت زن باید حق داشته باشد و در سرنوشت خودش تصمیم‌گیری کند. در این منظر این پرسش مطرح می‌شود که آیا زن حق مشارکت سیاسی دارد یا نه؟ در پاسخ می‌توان گفت: که ادبیات دینی سلب حق نمی‌کند بلکه نفی تکلیف می‌کند اینکه معلوم شود حق مشارکت سیاسی زن در کدام جامعه مطرح است؟ اگر جامعه امن است و زن متخصص است نه تنها حق مشارکت سیاسی و فعالیت اقتصادی دارد بلکه تکلیف و وظیفه حضور در جامعه و مشارکت

<sup>۱</sup> مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۹/۲۲ - روزنامه کیهان

<sup>۲</sup> پرتو ولایت، جایگاه و حقوق زن صص ۶۵ - ۶۴

<sup>۳</sup> بنیادگرایی جنسی و حق متفاوت بودن زن، کنگره‌زن بودن ممنوع، حسن رحیمپور ازغدی

سیاسی و اقتصادی هم دارد اما در صورتی که جامعه آماده حضور زن نباشد، ادبیات دینی یک معافیت و فراغ بال برای زن تعریف می‌کند نه سلب حق. مانند اینکه مرد باید کار کند و تأمین یک زندگی بی‌دغدغه و پر از آسایش و آرامش برای خانواده بر عهده مرد است، اما می‌تواند تصمیم بگیرد کار نکند یا نه، به نوعی حق انتخاب دارد و مانند مرد اجبار اداره زندگی بر عهده‌اش نیست. قرائت‌هایی که در دستگاه فکری دینی قرار دارد به این ترتیب می‌توان بیان کرد: از منظر انسان‌شناسی مبدأ و هدف خلقت زن و مرد یکسان است. از منظر زیست‌شناسی مبدأ و هدف خلقت زن و مرد از هم جدا می‌شود. از منظر روان‌شناختی تفاوت‌های بین زن و مرد نسبی هستند و با این تفاوت‌ها مکمل یکدیگر هستند. اسلام با کار کردن زن نه فقط موافق است، بلکه کار را تا آن جا مزاحم با شغل اساسی و مهمترین شغل او، یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نباشد، شاید لازم هم می‌داند. یک کشور که نمی‌تواند از نیروی کار زنان در عرصه‌های مختلف بی‌نیاز باشد! اما این کار را نباید با کرامت و ارزش معنوی و انسانی زن منافات داشته باشد. نباید زن را تذلیل کنند و او را وادار به تواضع و خضوع نمایند. به هر حال شغل برای زن، امری مباح و جایز است اما اسلام، ارزش زن را لزوماً به آن نمی‌داند. در اسلام زن وظیفه اقتصادی ندارد اما حقوق اقتصادی دارد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴ آزادی راستین

« آنچه در غرب با عنوان شعار وجود دارد، در درجه اول آزادی زن است. آزادی، معنای وسیعی را شامل می‌شود: هم شامل آزادی از اسارت است هم شامل آزادی از اخلاق است - چون اخلاق هم یک قید و بند است - هم آزادی از نفوذ مبنی بر سوءاستفاده‌ی کارفرمایی است که زن را با مرد کمتری به کارگاه می‌کشد. در همین شعارهایی که نسبت به زن وجود دارد، طیف وسیعی از این مطالبات و درخواست‌ها هست که بعضی با یکدیگر به کلی متناقضند. این آزادی معنایش چیست؟ متأسفانه در دنیای غرب... بیشتر فهم از آزادی، آزادی به معنای نادرست آن است - یعنی آزادی از قید و بندهای خانوادگی، آزادی از حتی قید ازدواج و تشکیل خانواده و پرورش فرزندان در آن جایی که هدف شهوانی زودگذری در مقابل قرار بگیرد - نه آزادی به معنای صحیح آن، لذا جز حرف‌هایی که در دنیای غرب زده می‌شود، مسئله آزادی سقط جنین است که این نکته بسیار مهمی است و با این که ظاهر ساده و کوچکی دارد، اما باطن بسیار خطرناک و سهمگینی در این سخن مضمّر و مندرج است. این، وسیله و شعار و مطالبه‌ای است که در غرب غالباً مطرح می‌شود. لذا می‌گویند نهضت آزادی زنان. در نظام صحیح، در یک مطالبه صحیح و مبارزه صحیح، هدف نمی‌تواند این معنای وسیعی باشد که یک بخش آن قطعاً مضر است؛ اگر چه ممکن است بخش‌های مفیدی هم در آن باشد باید به دنبال شعارهایی بهتر، مناسب‌تر، صحیح‌تر و گره‌گشا تر گشت». <sup>۲</sup> در منطق لیبرال، آزادی به مفهوم احترام به هوس است. هوس فقط با هوس دیگران محدود می‌شود. آزادی حدی ندارد الا آزادی دیگران، هوس و آزادی نباید با اخلاق، دین، تعهد خانوادگی محدود شود. هیچ مصالح عالی‌تر از هوس انسان وجود

<sup>۱</sup> بیانات در دیدار بانوان کشور به مناسبت روز زن ۱۳۷۱ - ۱۳۷۶

<sup>۲</sup> بیانات در همایش بزرگ زنان در ورزشگاه آزادی به مناسبت جشن میلاد کوثر، ۷۶/۷/۳۰

ندارد که بخواهد برای آن محدودیت ایجاد کند. هیچ امر مقدسی، هیچ حریمی در برابر میل فردی و هوس فردی نباید قد علم کند.

### نتیجه‌گیری

رویکرد حکمت بنیان در تحلیل پدیده تقسیم کار جنسیتی از نظریه‌های تک علتی فاصله می‌گیرد و به بیش از یک علت در پیدایش این امر معتقد. از این رو دیدگاه حکمت بنیان که بر مبانی اسلامی قرار گرفته در این میان دیدگاهی متفاوت است؛ دیدگاهی که تلفیقی به شمار می‌آید و از برخی نظریات بالافاصله دارد و به برخی از آنها نزدیک است ولی بر هیچ یک به طور کامل منطبق نیست. در این رویکرد، تفکیک نقش‌ها از یک سوی بر تفاوت‌های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایه دستورهای فقهی و اخلاقی مبتنی است. به عبارت دیگر، تفکیک نقش‌ها هم جنبه انسان‌شناختی و هم جنبه ارزشی و حقوقی دارد. از بین رفتن این کار ویژه‌ها و نقش‌های متمایز موجب فروپاشی نهادهایی می‌شود که حیات آنها در گروه همفکری و همکاری دو جنس مخالف با اعمال رفتارهای مربوط به دو جنس است در واقع، تفکیک نقش‌ها و همکاری متقابل زن و مرد نوعی سازمان‌دهی است. برای این سازمان نیز ریشه‌های زیست‌شناختی وجود دارد. در هر سازمان سلسله مراتب و جایگاه‌های معینی وجود دارد و افراد آن به یکدیگر نیازمندند و ما کمک یکدیگر کار مطلوب و کاملی را ارائه می‌کنند. در این میان، انسان‌ها به منزله موجوداتی آموزشی‌پذیر و مستعد یادگیری که به انتقال تجارب دانش و مهارت‌های خود به نسل خویش ناچارند، مجبور به ساماندهی معرفی شده‌اند. بر ایساس این رویکرد هر یک از زن و مرد حقوق و تکالیف یکسانی در اجتماع دارند و طبیعت در روابط اجتماعی آنان را در موضع ناهمسانی قرار داده است. بنابراین، همکاری میان زن و مرد در اجتماع، همکاری دو موجود مستقل از یکدیگر است. بی‌شک برابر دانستن زنان و مردان در حوزه‌های اجتماعی، آثار و پیامدهایی دارد. از جمله آنکه بنابراین اصل، بر برنامه‌ریزان و حاکمان لازم می‌شود که همه عرصه‌ها، فرصت‌ها و منابع را به طور یکسان تقسیم کنند و برنامه‌ریزی‌های گوناگون اجتماعی بر تفاوت‌های طبیعی مبتنی نباشد. این رویکرد همچنین بر ویژگی‌های طبیعی هر یک از زن و مرد مبتنی است؛ نگرشی که رویکرد اصلی زندگی زنان را احساس و رویکرد غالب زندگی مردان را تعقلی می‌داند. پس به سبب اینکه هر دو ویژگی برای حیات انسانی - اجتماعی لازم است. وجود هر دوی آنها در جامعه موجب حیات متعادل و متوازن اجتماعی است.

به نظر می‌رسد که اگر تفاوت نقش‌ها در خانواده پذیرفته شود و بیولوژی جنس را منشأ تفاوت در کارکردهای هر یک از دو جنس بدانیم. این مسئله به گونه‌ایی قهری به تفاوت برخی نقش‌ها در حوزه اجتماعی نیز خواهد انجامید. بر همین مناسبت که برخی از فعالیت‌های اجتماعی در فقه اسلامی بر دوش زنان گذاشته نشده است؛ مانند نان‌آوری شرکت در جهاد یا عبادت‌های گروهی مانند نماز جمعه. بنابراین اعتقاد به درستی تقسیم کار جنسی در حوزه خانواده با اعتقاد به لزوم برابری همه فرصت‌ها در

حوزه اجتماعی تناقض دارد. در مجموع، نقش مکمل زنان و مردان در اجتماع بر چند اصل مبتنی است. این اصول می‌تواند مبنای الگوی حضور زنان در اجتماع و الگوی معاشرت زنان و مردان در اجتماع قرار گیرد.

#### منابع:

##### منابع فارسی:

- سردار نیا، خلیل اله، واکاوی جایگاه زنان در گفتمان جنسیتی داعش، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، ش ۲۶، ۱۳۹۷
- قریشی، سید یوسف، زن به مثابه قربانی و تروریست: تأملی بر دلایل پیوستن زنان اروپایی به داعش، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، ش ۴۳، ۱۳۹۷
- ساموئل، بی، هابنتیگتون، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، تهران ۱۳۷۸
- گیدنز، آنتونی، منوچهر صبوری، جامعه‌شناسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص ۵۲۲-۵۲۱
- فتاحی زاده، فتحیه، زن در تاریخ اندیشه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ص ۲۴، ۱۳۸۶
- ویل دورانت، تاریخ تمدن، جمعی از مترجمان، جلد ۲، ص ۲
- داوودی، علی اصغر، (۱۳۸۹)، «نظریه گفتمان و علوم سیاسی» فصلنامه مطالعات سیاسی، تابستان، دوره دوم، شماره ۲۸
- هوارث، دیوید، (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، مجله علوم سیاسی، پاییز، دوره اول، شماره ۲
- یورگنس، ماریان، فیلیپس، لوییز، (۱۳۸۹)، نقد و بررسی کتاب نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران، نشر نی
- آدمی، علی، چیستی افراط‌گرایی در اسلام سیاسی: ریشه‌های هویتی و کنش‌هنجاری، فصل‌نامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره سوم، پاییز ۹۴، ص ۲۹-۵۹
- امرائی، حمزه، انقلاب ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۷۷، ۱۳۸۳

##### منابع انگلیسی:

- Agnew,R.(1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. *Criminology*, 30(1), 47-88.
- Agnew,R.(2010). A general strain theory of terrorism. *Theoretical criminology*,14(2), 131-153.
- Buzan,B., 8Hansen,L.(2009). The evolution of international security studies. Cambridge university press.
- Gray, A.L.(2015) Femalr integration in terrorist groups, Arkanzas: university of Arkanzas.
- Hoyle,C.,Bradford,A.,8frene,R.,(2015). BecomingMulan?: Female western migrants Ts To ISIS. London: Insiture for strategic dialogue.
- khelghat Doost,H.(2016) Woman of the Islamic state: The Evolving Role of women in jihad. *Counter Terrorist trends and Analysis*, 8(9).21-26.
- Lay,k.(2015).women as terrorists' an insoluble paradox.
- Rahman,u.(2016).The role of the women of the islamic state in the dynamics of terrorism in indonesia.
- Saltman,E.,8smith,m.(2015).till martyrdom do us parts gender and ISIS phenomenon. London:instute for strategic dialogue.
- Spencer.A.N.(2016).the hidden face of terrorism: an analysis of the woman in islamic state. *Journal of strategic security*,9(3),74.
- Tse,T.(2016).ISIS and recruitment: How do demograplics play a role? Mater's thesis, pittsburgh: carnegie meuon university.
- Winter,C.(2015). Women of the islamic state: amanifes to on women by the al\_khanssaa brigade. quilliam foundation.
- Ali,mah\_rokh,(2015). ISIS and propganda: How ISIS explors women, redters institute for the study of journalism: university of oxford.
- Miet zeric,(2016). What about the woman? Understanding and adressing the problem of ISIS female recruitment in the western balkans, belgrade center for security policy.
- Presin,anita,(2015). Fatal attraction: western muslimas and ISIS. *Perpective of terrorism*, volume9, issue3.
- saltman,Erin marie 8 smith, melanie,(2015).till martyrdom do us part cender and the ISIS phenomenon.